

به مناسبت برنامه فرهنگی - هنری بنیاد توس در لندن گفتگو با دو هنرمند بزرگ موسیقی ایران

اشاره:

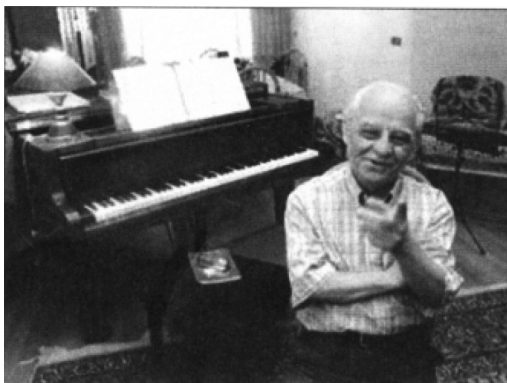
در ضمن خانم‌ها فخری نیکزاد و الیزابت منسفیلد گویندگی برنامه را به زبانهای فارسی و انگلیسی به عهده دارند.

در این برنامه همچنین رقصندگان گروه ال دانس قسمتی از باله دریاچه قو، شهرزاد و رقص دایره را ارائه میکنند. گفتگوی کوتاهی با استاد حسین دهلوی و اولین باغچه بان انجام داده ایم که در زیر می خوانید.

همانگونه که در شماره های گذشته کیهان خواندید بنیاد فرهنگی - هنری توس برنامه ویژه ای را در ۲۹ نوامبر در لندن به صحنه می برد که این برنامه به سیر تحول موسیقی کلاسیک، باله و اپرا در ایران و نیز گرامیداشت حسین دهلوی و اولین باغچه بان دو هنرمند برجسته و سرشناس اختصاص دارد. هنرمندانی که ۲۹ نوامبر برنامه خواهند داشت: پری زنگنه خواننده اپرا، فرنوش بهزاد آهنگساز و رهبر ارکستر، پری ثمر و ماریو تقدسی خواننده موسیقی کلاسیک خواهند بود.

استاد حسین دهلوی:

در زمینه کوششهای من برای تطبیق موسیقی اکسترال با موسیقی ایرانی متاسفانه تا کنون معرفی لازم صورت نگرفته است



سؤال: جناب استاد حسین دهلوی، با توجه به اینکه شما از چهره های ماندگار موسیقی ایران هستید، خواهشمند است از تجربیات و خاطراتان برای ما بفرمایید.

جواب: ۵ ساله بودم که پدرم تار کوچکی دستم داد تا با موسیقی آشنا شوم. پدرم خود از شاگردان

برجسته استاد شهناز بودند و سن ۹ سالگی که بودم پسر یکی از همسایگان ما نزد پدرم به فراگیری ویلن مشغول شد و تمام آنچه را که پدرم به فرزند همسایه آموخته بود بنده هم فرا گرفته بودم. بعد پدر خود تدریس موسیقی به بنده را به عهده گرفتند. در سال ۱۳۲۴ خورشیدی موفق به اخذ دیپلم حسابداری از دبیرستان شدم و در وزارت دارایی مشغول به کار گشتم. ولی در همان سنین ۱۸ و ۱۹ سالگی همچنان علاقمند به فراگیری موسیقی بودم. شنیدن برنامه موسیقی کلاسیک با توضیحات آقای دکتر سعد حسینی از رادیو موجب شد که من متوجه شوم که موسیقی ارکسترال از نیازهای موسیقی ایرانی در آینده خواهد بود و در اندیشه فراگیری موسیقی ارکسترال و تطبیق آن با موسیقی ایرانی شدم.

بعدها نزد استاد حسین ناصحی در هنرستان موسیقی که اصول هارمونی و ارکستراسیون را تدریس می کردند چند سالی را به فراگیری این رشته گذراندم. پس از گذشت حدود چهار سال پرفسور توماس کریستین داوید استاد آکادمی موسیقی وین برای تدریس به ایران دعوت شد و من با اشتیاق فراوان نزد وی رفتم و خواستار تحصیل موسیقی بطور خصوصی شدم و ایشان پذیرفتند که تدریس بنده را برعهده گیرند که این دوره هم حدود چهار سال به طول انجامید.

در این دوره به تکمیل آموخته های پیشین که نزد استاد ناصحی آموخته بودم پرداختم و آنها را با پرفسور داوید دوباره مرور کردم و اپرانویسی و دیگر فرم های موسیقی ارکسترال را فراگرفتم. سه چهار سال پس از تحصیل نزد پرفسور داوید شروع به نوشتن قطعاتی در اپرا و موسیقی ارکسترال

کردم و هنگامی که پرفسور داوید به اتریش بازگشت من هم برای تحصیلات تکمیلی به وین رفتم و در آکادمی موسیقی وین مشغول ادامه تحصیل شدم. با توجه به اینکه اصول موسیقی ایرانی را پیشتر نزد پدرم فراگرفته بودم، تصمیم داشتم پس از بازگشت به ایران با آموزشهایی که در وین در زمینه اصول موسیقی ارکسترال غربی آموخته بودم روشی نو در تطبیق موسیقی ایرانی با موسیقی ارکسترال ابداع نمایم.

سؤال: در مقام مقایسه مردم داخل کشور بیشتر قدر و منزلت شما را می دانند و یا در خارج از کشور؟

جواب: با توجه به کوششهایی که من در طی سالیان متمادی برای تطبیق موسیقی ارکسترال با موسیقی ایرانی داشته ام، متأسفانه تا کنون معرفی لازم در این زمینه در داخل و خارج از کشور توسط متصدیان امر صورت نگرفته و قضاوت در این باره را به آینده موکول می کنیم.

سؤال: از هنر جویان خود در داخل و خارج از کشور چه کسانی برجسته شدند؟

جواب: از برجسته ترین آنها آقای علی رهبری را می توان نام برد که اکنون در خارج از کشور و در کشورهای پیشرو در موسیقی ارکسترال همچون اتریش و آلمان رهبر ارکستر هستند.

سؤال: آیا موسیقی کلاسیک غربی در گستره فرهنگی ایران در قرن بیستم جایگاهی داشته است؟

جواب: در میان توده مردم آنطور که باید جایگاه شایسته ای نداشته اما در میان خواص و اهل فرهنگ همیشه مورد تایید و تکریم بوده است.

اولین باغچه بان:

خدمات بنیادهائی مثل توس که برای فرهنگ و هنر یک ملت انجام میگیرد به نظرم مقدس است



سؤال: سرکار خانم باغچه بان از تحصیلات و تجربیات خودتان در موسیقی کلاسیک به ما بگویید؟
جواب: چون در رشته آواز و پیانو فارغ التحصیل شدم در این دو رشته چه از لحاظ تکنیکی و چه از لحاظ تفسیری موسیقی، تجربه های زیادی دارم در موسیقی اتنیک، کلاسیک، رمانتیک، نئو رمانتیک و در موسیقی مدرن چه از لحاظ تدریس و چه از لحاظ اجرایی سابقه ۵۵ ساله دارم.

سؤال: آیا موسیقی کلاسیک اروپائی به طور کلی در گسترده فرهنگی ایران در قرن بیستم جایگاهی داشته است؟

جواب: البته ارکستر های مختلف از جمله ارکستر سمفونیک، ارکستر زهی، اگر با کادر کامل، گروه های باله، گروه های مختلف گر، که پایه گذار و رهبر آنها بوده ام از جمله گر هنرستان عالی موسیقی، کر اپرای تهران، سازمان کر تهران، کر کودکان فرح، کر جوانان فرح این گروه های ذکر شده آثار بین المللی کلاسیک اجرا می کردند.

سؤال: نظرتان راجع به سازمانهائی مثل توس چیست و فکر می کنید چه اقدامات دیگری باید

سؤال: شاگردان شما و آقای ثمین باغچه بان چه کسانی بودند؟

جواب: چند اسمی را که در حال حاضر بیاد دارم می گویم از شاگردان من حسین سرشار، سودابه تاج بخش، پری ثمر، پری زنگنه، گیتی خسروی، هاگینت وارطانیان، سودابه صفائی، آیدا باقریان، ادنا داویدیان و از شاگردان ثمین فریدون ناصری، ایرج صهبائی، منوچهر صهبائی، نصرت الله زابلی و دیگر افرادی که در کرهای مختلف بوده اند را می توانم نام ببرم.

انجام گیرد تا در این هدف مهم موفقیت حاصل آید؟

جواب: نظر به اینکه اعتقاد دارم فرهنگ و هنر ریشه و روح و هستی یک ملت است هر خدمتی که به فرهنگ و هنر یک ملت انجام بگیرد به نظر من مقدس است چون که در اصل این خدمتی به هستی آن ملت است.

فرهنگ و هنر یک ملت عامل بزرگی است که انسان، انسانیت و ملیت خود را پایدار کند و این عامل به ملت نیروی جنگیدن و به زیبائی و مهر

رسیدن می دهد به همین دلیل خدمت بنیادهائی مثل توس را تقدیس می کنم و آرزو دارم که این خدمات را یک وظیفه انسانی و ملی بدانند و با این هدف آثار آهنگسازان بین المللی ایران را به دنیا بشناسانند، برنامه های فولکلوریک موسیقی و آواز و رقص در زمینه موسیقی سنتی، شناساندن سازهای سنتی ایران زیر نظر استادان فن، موسیقی کلاسیک بین المللی ایران را با ارکستر، اپرا، باله تا جائی که امکان دارد به روی صحنه بیاورند. موفقیت چنان بنیادهائی را آرزو می کنم.